

# حوادث۱۹

### تلنگر

### مجازات سنگین

#### برای همسایه آزارگر

مرد شیشه‌ای که زن همسایه را مورد آزار و اذیت قرار داده بود، پس از محاکمه با مجازات سنگینی روبه‌رو شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، سال گذشته زنی جوان با مراجعه به پلیس ادعاکرد مردی جوان که در همسایگی آنها زندگی می‌کند با تهدید وارد خانه اش شده و او را مورد آزار و اذیت قرار داده و مبلغ ۲۰ هزار تومان و گوشی تلفن همراهش را از خانه‌اش سرقت کرده است. بلافاصله بعد از طرح شکایت شاکی، ماموران پرونده را به پزشکی قانونی ارجاع دادند و معاینه پزشکی قانونی حاکی از تایید آزار و اذیت زن جوان بود. رسیدگی به پرونده در دستور کار پلیس قرار گرفت و چندی بعد متهم شناسایی و دستگیر شد. با طی روند قضایی پرونده، هفته گذشته متهم در شعبه دوازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد و در دفاع از خود گفت: «چند سالی می‌شود که به شیشه اعتیاد دارم و آن روز هم مواد مخدر مصرف کرده بودم و در حال خودم نبودم. قبول دارم از خانه زن همسایه سرقت کردم. اما آزار و اذیت او را قبول ندارم.»

قضات دادگاه بعد از مشورت متهم را از حیث سرقت به عنف به تحمل ۱۲ سال حبس و ۹۰ضربه شلاق و از حیث ورود به حریم عنف به چهار سال حبس و از حیث تهدید با چاقو به تحمل سه سال حبس و ۹۰ ضربه شلاق محکوم کردند. همچنین با احراز ارتکاب عمل منافی عفت به عنف متهم به تحمل ۹۹ ضربه شلاق محکوم شد.

### قتل در ۱۸ سالگی

#### محاکمه در ۵۰ سالگی

متهم خیلی جوان بود که سرقت از خانه زن همسایه او را وسوسه کرد. هر چند آن روز در انگیزه سرقت ناکام ماند اما ورود او به خانه همسایه منجر به ریختن خون پیرزن شد. خونی که ۳۲ سال بعد گریبان او را گرفت و حالا پرونده، بعد از اقرار صریح او به قتل به دادگاه کیفری یک استان تهران ارجاع شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، کشته شدن پیرزن در خانه خودش با ضربات متعدد چاقو در محله عبدالآباد از ۳۲ سال قبل تا به حال سربه مهر باقی مانده بود. عامل قتل پیرزن در این سال‌ها ازدواج کرده و صاحب دو فرزند شده و بالاخره چندی قبل در حالی که نزدیک آژانس محل کارش ایستاده بود، شناسایی و دستگیر شد و به قتل‌ی که در ۱۸ سالگی مرتکب شده بود اقرار کرد و گفت: «سال‌ها قبل زمانی که به خانه خواهرم در محله عبدالآباد رفته بودم، متوجه شدم در همسایگی آنها پیرزنی زندگی می‌کند که وضع مالی خوبی دارد. یک روز وقتی در کوچه بودم دیدم فردی به پیرزن مبلغ ۲۵۰ هزار تومان پول داد. وسوسه شدم پول را از او سرقت کنم. برای همین وارد خانه اش شدم. پیرزن تا چشمش به من افتاد شروع به داد و فریاد کرد، من هم با چاقویی که در حیاط آنها بود، ابتدا یک ضربه به دستش زدم و بعد چند ضربه به بدنش وارد کردم. اما بعد از قتل هر قدر خانه را گشتم پول را پیدا نکردم.

متهم در ادامه گفت خواهر و مادرش از راز قتل با خبر بودند و همیشه به او می‌گفتند خون زن بی‌گناه دامن‌گیرت می‌شود.

با اقراریر صریح متهم و طی روند قانونی، پرونده به شعبه هفتم دادگاه کیفری ارجاع شد. اما در همین زمان فوت یکی از اولیای دم و لزوم انحصار وراثت برای تعیین گروه جدیدی از اولیای دم؛ تعیین‌وقت را به تعویق انداخته است.

### اتهام «افساد فی الارض»

#### برای یک خواننده

یک وکیل دادگستری از صدور کیفرخواست برای محسن لریستانی -خواننده- به اتهام افساد فی‌الارض و ارجاع پرونده او به دادگاه انقلاب اسلامی تهران خبرداد.

سیدکاظم حسینی در گفت‌وگو با ایسنا در این باره اظهار کرد: موکلم ۱۳ اسفند ۹۷ در منزل مادرش در سعادت‌آباد بازداشت شد و از آن زمان تاکنون در زندان است.

وی افزود: پرونده موکلم با شکایت مدعی العموم و با صدور کیفرخواست به اتهام «افساد فی‌الارض» به شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب اسلامی تهران ارسال شده‌است.

حسینی تصریح کرد: موضوع اتهامی موکلم در رابطه با مسائل اخلاقی و خصوصی بود که در فضای مجازی منتشر کرده بود و او شاکی خصوصی ندارد.



این شهید در این درگیری با چاقوی یکی از این ارادل از ناحیه گردن و دست مجروح و به بیمارستان منتقل شد که متأسفانه اقدامات پزشکی موفقیت‌آمیز نبود و وی به درجه رفیع شهادت نائل شد. قاتل شهید حسن پاینده بعد از انجام قتل هنگام خروج از کیلان به همراه چند همدستش در رودبار دستگیر شده بود.

شهید سروان حسن پاینده اهل یکی از روستاهای شهرستان لاهیجان بود که پنجم آبان ۹۷ در حین گشت‌زنی یگان امداد نیروی انتظامی شهر رشت با ایجاد مزاحمت تعدادی ارادل و اوباش برای خانواده‌ها در پارک دانشجویی این شهر مواجه و برای پایان دادن به این موضوع وارد عمل شد.

### اعدام قاتل شهید پاینده

بامداد دیروز حکم اعدام قاتل شهید «حسن پاینده» در رشت اجرا شد.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، ساعت ۵ صبح چهارشنبه حکم اعدام قاتل شهید مدافع امنیت (اخلاقی سروان «حسن پاینده» در پارک دانشجویی رشت -محل شهادت این شهید- اجرا شد.

### پسر جوان برای ازدواج با دختر خاله‌اش، شوهر او را کشت

# جنایت، پایان خیانت دختر خاله

رفت وآمدش به خانه دختر خاله‌اش باعث شد به او علاقه‌مند شود. هر بار که به آنجا می‌رفت، دختر خاله از کتک‌های شوهرش می‌گفت و همین درد دل‌ها باعث شد رابطه آنها بعد از سه سال سرانجامی جز جنایت نداشته باشد. در پشت صحنه یک جنایت این هفته سراغ پسر جوان رقتیم و او از رابطه پنهانی‌اش با دختر خاله و قتل شوهر او گفت. رئیس پلیس آگاهی استان البرز هم پرونده را تشریح کرد و یک جرم‌شناس به تحلیل ریشه‌های وقوع این جنایت پرداخت. سرهنگ محمد نادریبگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز در تشریح این پرونده به خبرنگار جام‌جم گفت: نخستین برگ در این پرونده شامگاه ۲۶ تیر امسال و به دنبال گزارش قتل مردی در منطقه کلاک در دستور کار پلیس قرار گرفت. در تحقیقات پلیسی مشخص شد، مرد ۳۰ ساله هنگام ورود به خانه‌اش از ناحیه شکم هدف گلوله قرار گرفته و جان خود را از دست داده است. در ادامه بازپرس جنایی کرج در محل قتل حاضر شد و دستور تحقیقات برای شناسایی قاتل را صادر کرد. بررسی دوربین‌های مداربسته نشان داد قاتل صورت خود را با کلاه پوشانده بود و با یک قبضه اسلحه شکاری قتل را انجام داده‌است.

وی ادامه داد: همسر مقتول نخستین فردی بود که در این پرونده مورد تحقیق قرار گرفت. او در جریان تحقیقات گفت: شوهرم از محل کار به خانه آمد و بعد از کمی استراحت برای خرید نان بیرون رفت. حدود نیم ساعت بعد صدای داد و فریاد از داخل کوچه شنیدم و وقتی به مقابل در آمد با جسد غرق در خون شوهرم روبه‌رو شدم.

رئیس پلیس آگاهی استان البرز با اشاره به دستگیری همسر مقتول گفت: پس از تحقیقات مقدماتی متوجه تناقض گویی‌های همسر مقتول شده و با بررسی تیم اداره اطلاعات جنایی دریافتیم که او با پسر خاله‌اش ارتباط پنهانی دارد. با افشای این موضوع زن جوان بازداشت شد و تحقیقات روی پسر خاله او متمرکز شد. ردیابی‌های ما نشان می‌داد او بعد از قتل به یکی از شهرهای شمالی کشور گریخته است. تجسس‌های رایی دستگیری او ادامه داشت تا این که بعد از دو روز وقتی برای پیگیری پرونده به اداره آگاهی آمده بود، دستگیر شد.

## رابین هود خانواده بودم

هنوز باور ندارد که به اتهام قتل دستگیر شده و در ۲۵ سال.

حرف‌هایش تأکید دارد که دخترخاله‌اش در این قتل نقش‌ی نداشته است. قرار بود بعد از این قتل همراه دخترخاله‌اش

به خانه بخت‌بروند، اما هر دو روانه بازداشتگاه پلیس آگاهی شدند. سهیل در گفت‌وگو با جام‌جم به تشریح انگیزه‌اش از قتل پرداخت که در ادامه می‌خوانید.

چند سال داری؟

۲۲ سال.

درس خوانده‌ای؟

کلاس اول را رفتم، اما خوشم نیامد و ترک تحصیل کردم.

چرا خوشت نیامد؟

دوست داشتم کار کنم و کمک خرج خانواده‌ام باشم.

بدرت چه کاره بود؟

باغبانی می‌کرد.

توهم سراغ همین کار رفتی؟

ابتدا بله، اما بعد در یک کارگاه چوب‌بری مشغول به کار شدم. با پس‌اندازم با یکی از دوستانم شریک شدم و یک سوپرمارکت را ده‌اندازی کردیم.

از چه زمانی با دخترخاله‌ات رابطه پنهانی داشتی؟

از حدود دو سال قبل.

چطور این رابطه شکل گرفت؟

مدتی در خانه آنها بودم و کم‌کم به او علاقه‌مند شدم. او چند ساله بود؟

چون پای درد دل‌هایش می‌نشستم.

او گفت همسرش را یک‌بکس؟

نه. از نقشه‌ما خبر نداشت.

گفتی شش ماه قبل نقشه قتل را کشیدی، اما بررسی پرونده نشان می‌دهد دو سال پیش هم او را به شدت کتک زده بودی.

به خاطر این بود که به مادرم توهین کرده بود. آن زمان هنوز به دخترخاله‌ام علاقه‌مند نشده بودم.

بعد برای اجرای نقشه‌ات سلاح خریدی؟

درست است. یک روز مردی به مغازه‌ام آمد و گفت سلاح شکاری می‌فروشد. من هم یک سلاح از او خریدم. همان جا یک گلوله با آن شلیک کردم تا از سالم بودنش مطمئن شوم.

چند خریدی؟

یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان.

خب درباره شب قتل بگو.

حدود ساعت ۸ شب مقابل خانه دخترخاله‌ام رفتم. منتظر بودم شوهرش بیرون بیاید. بعد از نیم‌ساعت بیرون آمد. او را تعقیب کردم. به پارک رفت و چند دقیقه‌ای پیش مردی نشست. دوباره به سمت خانه بازگشت. وقتی به کوچه‌شان رسید، فاصله‌ام را نزدیک‌تر کردم. حدود یک متری او رسیده بودم که صدای پایم را شنید و برگشت.

تو را شناخت؟

نه، کلاه رفتنی روی سر و صورت‌م کشیده بودم و فقط چشمان‌م معلوم بود.

بعد چه شد؟

به ستمم حمله کرد که یک گلوله شلیک کردم. گلوله

به شکمش اصابت کرد. بعد هم از محل فرار کردم.

سلاح را کجا مخفی کردی؟

داخل یک گونی گذاشتم و در رودخانه کرج انداختم.

فرار کردی؟

فرار که نه، همراه شریکم دو روز شمال رقتیم و در این مدت گوشی‌ام را خاموش کردم. می‌خواستم صحنه‌سازی کنم که وقتی قتل رخ داد شمال بودم.

چطور دستگیر شدی؟

بعد از دور روز وقتی برگشتم، فهمیدم دخترخاله‌ام بازداشت شده است. به اداره آگاهی رفتم تا او را آزاد کنم که خودم هم گرفتار شدم.

فکرمی‌کردی دستگیر شوی؟

نه. نقشه‌ما حساب شده بود.

پس چطور همه چیز لو رفت؟

خاله‌ام به ماموران گفته بود که من از پسرش کینه داشتم و چند بار با پسرش درگیر شده بودم.

می‌دانی چه مجازاتی در انتظارت است؟

نه.

این رابطه ارزش آدم‌کشی داشت؟

می‌دانستم دخترخاله‌ام وقتی بفهمد شوهرش را کشت، دیگر با من ازدواج نمی‌کند. اما من برای این که او را نجات دهم قتل را انجام دادم.

خب چرا تو باید دخترخاله‌ات را نجات می‌دادی؟

گفتم که کسی به فکر او نبود.

دخترخاله‌ات می‌توانست طلاق بگیرد؟

زبانی گرفته بودند اما قانونی شوهرش طلاقش نمی‌داد.

## می‌خواستم به خانواده‌ام کمک کنم

روز حادثه وسوسه شیطانی سراغم

آمد و به بهانه این که امیر محمد را به

خانه‌مان ببرم، سوار اتوبوس شده

و به سمت خانی‌آباد رفتم. پشت خانه‌مان یک کوره پزخانه است، به سمت آنجا رفتم و پسر دایی‌ام را کاشتم.

را کاشتم.

مقاومت نکرد؟

دستانم را دور گردنش گره زدم و خیلی زود خفه شد.

انگیزه‌ات آزار او بود؟

نه.

اما در بازجویی‌ها اعتراف کردی.

(سکوت متهم)

پس انگیزه‌ات چه بود؟

قرار بود او را به یک قاچاقچی اعضای بدن بدهم و ۵۰ میلیون تومان بگیرم.

پس چرا کشتی؟

نقشه قاچاقچی عوض شد و گفت او را بکش و از خانواده‌اش پول بگیر.

چرا قصد اخاذی داشتی؟

خانواده‌ام وضع مالی خوبی ندارند و می‌خواستم به آنها کمک کنم.

بعد از قتل با جسد چه کردی؟

همان جا زیر سنگ و مصالح دفنش کردم که بعد از اعتراضاتم پیداشد.

## پسر ۹ ساله، قربانی نیت شیطانی پسر عمه

است. نویسنده نامه در ابتدا یک میلیارد تومان درخواست کرده بود، اما در ادامه نوشته بود به خاطر وضع مالی پدر امیرمحمد به‌زودی مبلغ کمتری را برای آزادی پسر بچه اعلام می‌کند.

پرونده با کشف این نامه وارد فاز جنایی شد و ماموران به بررسی دوربین‌های مداربسته خیابان‌های اطراف خانه امیرمحمد پرداخته و متوجه شدند او همراه پسر ۱۵ سال‌های از کوچه خارج شده است.

پدر پسر بچه با دیدن فیلم، رباینده پسرش را شناسایی کرد و گفت: او خواهرزاده‌ام حمید است.

با کشف این سرخیج حمید دستگیر شد و در ابتدا مدعی شد مردی از او خواسته امیرمحمد را در پارک نزد او ببرد و ۵۰۰میلیون تومان بگیرد. به همین خاطر پسر دایی‌اش را مقابل مترو برده و تحویل آن مرد داده است. قرار بود آن مرد بعد از فروش کلیه‌ها و قلب امیرمحمد به او پول بدهد. کارآگاهان که می‌دانستند او دروغ می‌گوید به بازجویی‌ها ادامه داده تا این‌که صبح دیروز به قتل اعتراف کرد.

پسر ۱۵ ساله که با نیت شیطانی پسر دایی ۹ سال‌هاش را کشته بود، جزئیات قتل را تشریح کرد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از شامگاه پنجشنبه ۴ مهر امسال و به دنبال ناپدید شدن مرموز پسر ۹ سال‌های در دستور کار پلیس تهران قرار گرفت.

پدر امیرمحمد در شکایتش گفت: ساکن محله رازی تهران هستیم. امروز عصر پسرِم مقابل خانه‌مان در حال بازی بود که به‌طور ناگهانی ناپدید شد. هر جایی را که احتمال داشت به آنجا رفته باشد، جست‌وجو کردیم اما اثری از امیرمحمد نبود.

پس از این شکایت، پرونده‌ای در پلیس آگاهی تهران تشکیل شد و تیمی از ماموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تحقیقات را برای شناسایی سرنوشت پسر ۹ ساله آغاز کردند.

یک روز پس از شروع تحقیقات، پدر امیرمحمد دوباره به ماموران مراجعه کرد و گفت: ساعتی قبل فرد ناشناسی که دستنوشته بد به‌خط را داخل خانه ما انداخت که روی آن نوشته پسرِم را ربنده و برای آزادی‌اش باید پول ببرد ازیم. کارآگاهان نامه را بررسی کرده و متوجه شدند، توسط فردی کم سواد نوشته شده